



چکیده مقالات دومین همایش جغرافیای تاریخی

پژوهش‌کنده تاریخ اسلام
گروه جغرافیای تاریخی جهان اسلام

بهمن ۱۳۹۸



پژوهشکده تاریخ اسلام

چکیده مقالات

دومین همایش جغرافیای تاریخی

دبیر علمی همایش: دکتر محمدتقی رهنمایی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر و دبیر اجرایی همایش: خلیل قویدل

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر^(ع)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهر روز شرقی، شماره ۹

تلفن: ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۱ نمابر: ۸۸۶۷۶۸۶۰

web: www.pte.ac.ir

فهرست مطالب

۹..... * پیشگفتار

۱۳..... * اعضای کمیته علمی همایش

حمید اسدپور

حسین اسکندری

۱۵..... * جغرافیای تاریخی شبانکاره (شبانکاره بوشهر)

حمید اشرفی خیرآبادی

۱۶..... * نقش عوامل جغرافیایی در ماندگاری سنن اجتماعی - فرهنگی ایرانیان در قرون نخستین اسلامی

بهزاد اصغری

۱۷..... * مبانی نظری جغرافیای تاریخی در دوران مدرن

حسن افراخته

۱۸..... * تحول چشم‌انداز جغرافیایی رشت در گذشت زمان

نادر پروین

مسلم سلیمانیان

۲۰..... * روش‌شناسی و نقدی بر مؤلفه‌های جغرافیای تاریخی در مکتب جغرافیای عراق

جهانبخش ثواقب

پروین رستمی

۲۱..... * جغرافیای تاریخی ایالت جبال و روند دگرگونی آن

محمود جعفری دهقی

شیما جعفری دهقی

۲۲..... * «رسالة جغرافیایی شهرستان‌های ایران‌شهر» متنی به زبان فارسی میانه

حجت‌الله جودکی

۲۳..... * جغرافیای تاریخی از نگاه مورخان و جغرافی‌دانان

میرهادی حسینی

۲۴..... * مقدمه‌ای بر شناخت جغرافیای تاریخی

مهدی رضا خادم‌لو

۲۵..... * جغرافیای تاریخی گلوگاه مازندران (تأثیر موقعیت جغرافیای گلوگاه بر تحولات تاریخی این شهر)

مهرداد دیوسالار

۲۶..... * تحول چشم‌انداز جغرافیایی مازندران در دوره پهلوی اول

حمید رضایی

۲۷..... * جغرافیای تاریخی ایالت شروان در دوره صفوی

تهمینه رئیس‌السادات

سید محمدتقی رئیس‌السادات

۲۸..... * تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی بر رفتار انسانی ناحیه خراسان

محمد سهیلی

۲۹..... * نقش اقتصاد انرژی بر تحولات جمعیتی سکونتگاه‌های سواحل خلیج فارس

محمد رضا سبحان

محمدعلی سیفی

۳۰..... * جغرافیای تاریخی تهران

زهرا شیرانی جوانمردی

* جغرافیای تاریخی مراکز حکومتی چهارمحال از دوره صفویه تا پهلوی اول بنا بر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناسی ۳۱

نصرت‌خاتون علوی

* جغرافیای تاریخی سواحل دریای مکران با تکیه بر راه‌های ارتباطی جنوب شرق ایران ۳۲

فاطمه السادات فیروزی

* جغرافیای تاریخی بندرعباس ۳۳

محمدحسین فروغی

علی اختری

* جغرافیای تاریخی اصفهان و عوامل مؤثر در تغییرات آن ۳۴

راضیه شجاع قلعه دختر

* پژوهشی مختصر در جغرافیای تاریخی خلیج فارس و دریای عمان ۳۵

بنفشه قاسمی

* نقد و بررسی کتاب مسالک الممالک ۳۶

جواد عباسی

سید علیرضا گلشنی

صدیقه قاسم‌پور

* جغرافیای تاریخی رود جیحون ۳۷

قدرت‌الله گراوند

* چشم‌انداز زیست و معیشت لرستان از مشروطیت تا پایان پهلوی اول ۳۸

یاسر ملک‌زاده

* هندستان، کابلستان، زابلستان و رود مهران: محدوده مرزهای حداقلی و حداکثری ایران‌شهر در دوره خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م)..... ۳۹

سید حسن مهدیخانی سروجانی

* بررسی مفهوم «جغرافیای تاریخی» در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف گی‌لسترنج ۴۰

یاسر ملازنی

* سیمای جغرافیای طبیعی شرق ایران عصر صفوی در نقشه‌های تاریخی اروپایی ۴۱

پیشگفتار

بیش از شش سال از برگزاری نخستین کارگاه آموزشی موضوع‌شناسی جغرافیای تاریخی می‌گذرد. این کارگاه آموزشی که طی دو روز در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ در محل پژوهشکده تاریخ اسلام برگزار شد، نقطه عطفی در نگرش اساتید و دانشجویان رشته‌های تاریخ و جغرافیا به شمار می‌آید. تا این زمان دیدگاه حاکم در موضوع و روش‌شناسی جغرافیای تاریخی، همان شیوه‌ای بود که «لسترنج» در کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* به کار برده بود.

انتشار کتب و مقالات مربوط به این موضوع، هرچند اندک دربرگیرنده مفاهیم جدیدتری بودند، لیکن به دلیل پراکندگی و فراهم نبودن فضایی برای چالش‌های فکری نتوانستند تغییر محسوسی در روش‌شناسی جغرافیای تاریخی به وجود آورند. گروه جغرافیای تاریخی پژوهشکده تاریخ اسلام با درک اهمیت و ضرورت این موضوع، تاکنون توانسته پنج نشست علمی به شرح زیر در محل پژوهشکده برگزار کند:

- جغرافیای تاریخی منطقه ری (با سخنرانی دکتر احمد ابوحمزه)؛
- دیرین‌شناسی اقلیمی، آب و هوا و ظهور و سقوط تمدن‌ها (با سخنرانی دکتر قاسم عزیزی)؛
- شناخت شهر اسلامی - ایرانی اصفهان از منظر جغرافیای تاریخی (با سخنرانی دکتر سیروس شفق)؛

- نقشه‌ها و اطلس‌های تاریخی (با سخنرانی استاد محمدرضا سبحان)؛

- جغرافیای تاریخی منطقه قفقاز (با سخنرانی دکتر بهرام امیراحمدیان).

به دنبال این چالش‌های فکری با موضوع جغرافیای تاریخی بود که پژوهشگر تاریخ اسلام نخستین همایش جغرافیای تاریخی را در مهرماه سال ۱۳۹۳ برگزار کرد. این همایش در زمان خود با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و انبوهی از چکیده‌ها و اصل مقالات به دبیرخانه همایش ارسال شد. مجموعه مقالات این همایش در دو جلد چاپ و انتشار یافت که هم‌اکنون در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

در ارزیابی‌هایی که بعداً در محتوای مقالات انجام گرفت به این نتیجه رسیدیم که هنوز آن درک لازم از مفهوم جغرافیای تاریخی در اذهان علاقه‌مندان شکل نگرفته است و باید در این زمینه بیشتر کوشش کرد و برخلاف تصور عموم، جغرافیای تاریخی یک دانش توصیفی نیست، بلکه یک دانش کاربردی برای تبیین هویت و درک رابطه گذشته با حال بسیاری از کشورها و اقوام ساکن در آنها نیز هست. بررسی مقالات نخستین همایش جغرافیای تاریخی نشان داد که متخصصان هر رشته، موضوع جغرافیای تاریخی را از منظر رشته تخصصی خود تعبیر و تعریف می‌کنند. تاریخ‌دانان آن را نوعی تاریخ محلی می‌دانند، جغرافی‌دانان از آن استنباط تاریخ علم جغرافیا و وضعیت جغرافیایی سرزمین‌ها در ادوار گذشته را دارند، باستان‌شناسان و دیرین‌شناسان آن را مقطعی از تاریخ زیست‌گذشتگان می‌دانند و شهرشناسان از آن درکی در حد تاریخ یک شهر و یا وجه تسمیه نام شهرها می‌دانند. جدای از این استنباط‌های موضوعی، ماهیت جغرافیای تاریخی جنبه‌های کاربردی دیگری دارد که جهان امروزی با آن دست به‌گریبان است.

موضوعیت جغرافیای تاریخی در این نکته ظریف نهفته است که تمامی اقوام و ملت‌های ساکن در کشوری دارای تاریخ و گذشته تاریخی خود هستند. اینکه این تاریخ‌ها در کدام بستر جغرافیایی اتفاق افتاده و فرهنگ و تمدن آن شکل گرفته، موضوعی است که اساس و پایه بسیاری از مناقشات منطقه‌ای و سیاسی امروزی را تشکیل می‌دهد. مثال‌های فراوانی از این مناقشات را که بار جغرافیای تاریخی دارند، می‌توان نام برد که اهم آنها عبارت است از:

- جمهوری مقدونیه و استان مقدونیه یونان؛

- مشکلات هویتی کشورهای بالکان پس از تجزیه یوگسلاوی؛
 - مناقشات مرزی و هویتی دیگر جمهوری‌های منطقه قفقاز؛
 - فلسطین و سرزمین‌های اشغالی؛
 - مناقشات اسکاتلند و ایرلند؛
 - استقلال‌طلبی ایالت کبک از کانادا؛
 - جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایالت‌های باسک و کاتالونیا؛
 - مناقشات کشمیر؛
 - جنبش‌های استقلال‌طلبانه چین و اینگوش؛
 - جدایی مسالمت‌آمیز جمهوری اسلواکی از چک؛
 - جنبش‌های استقلال‌طلبی ایالت‌های شرقی چین؛
 - خودمختاری محدود ایالت بایرن در آلمان؛
 - مناقشات مرزی بسیاری از مستعمرات سابق آفریقا که مرزهای سیاسی آنها با خطوط مستقیم ترسیم شده‌اند.
- گفتنی است کشورهای عربی خاورمیانه نیز از این بحران هویت و ادعاهای ارضی بر قلمرو متصرفی برکنار نیستند.
- به نظر نگارنده، ایران از معدود کشورهایی است که تا حدود زیادی از این مناقشات به دور مانده است. در یکصد سال گذشته شاهد برخی تنش‌های سیاسی با شعارهای آزادی‌خواهی و حتی تجزیه نیز بوده‌ایم، لیکن این تنش‌های محلی و منطقه‌ای نتوانسته در پیکره جغرافیایی و تاریخی ایران تأثیر چندانی برجای بگذارد. جنبش جنگل در گیلان و حتی تشکیل جمهوری شورایی گیلان با حمایت شوروی‌ها، فعالیت فرقه دموکرات و دار و دسته سیدجعفر پیشه‌وری در آذربایجان، تشکیل جمهوری مهاباد و شورش‌های اسماعیل سیمیتقو در کردستان، تحركات شیخ خزعل در خوزستان و برخی نمونه‌های پراکنده دیگر از مصادیق این حرکت‌ها به شمار می‌روند. واقعیت این است که بخش عمده‌ای از تاریخ ایران در همان جغرافیایی اتفاق افتاده که امروز ایران نامیده می‌شود. جدای از تجزیه‌هایی که به دلیل غفلت حاکمان اتفاق افتاده، پیکره جغرافیایی ایران بستر بسیاری از رخدادهایی است که تاریخ ایران در آن شکل گرفته است. آنچه ایران را از دیگر کشورهای منطقه

تمایز می‌سازد و از منظر جغرافیای تاریخی حائز اهمیت شایانی است، این است که در ایران ملیت بر قومیت مقدم است؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورهای منطقه هنوز قومیت آنها بر ملیت‌شان می‌چربد و به همین دلیل تکیه آنها برای تبیین هویت خود، در درجه اول بر قومیت آنهاست نه بر ملیت‌شان. دقیقاً به همین دلیل است که ایران با تمام افت و خیزهای سیاسی و تاریخی توانسته تا امروز هویت ایران‌محوری خود را به عنوان یک واقعیت تاریخی در قلمرو جغرافیایی‌اش حفظ کند.

دومین همایش جغرافیای تاریخی در شرایطی برگزار می‌شود که کشور روزهای سختی را می‌گذراند، لیکن مشارکت عمومی برای برگزاری آن بسیار امیدوارکننده است. در این همایش نیز مقاله‌های زیادی به دبیرخانه رسید، اما شورای علمی همایش، مقاله‌هایی را پذیرفت که با محورهای اعلام شده در فراخوان همایش همسو بود. عدم پذیرش برخی مقاله‌ها بدان معنا نیست که این مقاله‌ها اشکالات علمی داشته‌اند، بلکه برخی از آنها دارای محتوای علمی خوبی هم بودند، اما با اهداف و محورهای همایش، یعنی جغرافیای تاریخی، ارتباط موضوعی چندانی نداشتند.

ضمن تشکر از کلیه شرکت‌کنندگان، امید آن داریم که با ایجاد یک بستر فکری مناسب برای تبیین جغرافیای تاریخی، اعتلای این رشته را به حدی برسانیم که هر ایرانی، جدای از قومیت، دین، مذهب و سایر وجوه تمایز، به ایرانی بودن خود افتخار کند.

محمد تقی رهنمایی

دبیر علمی همایش

بهمن ۱۳۹۸

اعضای کمیته علمی همایش

۱. دکتر محمدتقی رهنمایی (دبیر علمی همایش)
۲. مهندس محمدرضا سحاب
۳. دکتر حسن افراخته
۴. دکتر محمود جعفری دهقی
۵. دکتر حجت الله جودکی
۶. آقای جمشید کیان فر
۷. آقای محمدعلی سیفی

جغرافیای تاریخی شبانکاره (شبانکاره بوشهر)

حمید اسدپور^۱

حسین اسکندری^۲

چکیده

شکل‌گیری حوادث تاریخی در بستر مکان، باعث شده است که بررسی و مطالعه بستر جغرافیایی رویدادها اهمیت فراوانی پیدا کند. مشاهده و بررسی مکان حوادث، ابعاد مختلف حیات انسانی در گذشته را بهتر مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، بازسازی تاریخ با کمک جغرافیا به صورت دقیق‌تری انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین مناطق در پس کرانه‌های خلیج فارس، منطقه شبانکاره بوشهر است. در ایران چند ناحیه به نام شبانکاره وجود دارد که به نظر می‌رسد از یک قوم منشعب شده‌اند. البته هیچ‌یک از این نواحی به اندازه شبانکاره بوشهر در طول تاریخ اهمیت نیافته‌اند و به حیات تاریخی خود تداوم نبخشیده‌اند. اهمیت این ناحیه در طول تاریخ تا دوره معاصر چنان بود که مورد توجه بسیاری از خاندان‌های مهم واقع شده است. نکته مهم از بُعد جغرافیای تاریخی در این منطقه، آن است که چرا این ناحیه برخلاف دیگر نواحی همنام خود، توانست به حیات درخشان خود ادامه دهد؟ به نظر می‌رسد قرار گرفتن این ناحیه بر سر راه‌های تجاری خلیج فارس به پس کرانه‌ها و نواحی مرکزی ایران و همچنین کشاورزی و باغداری فراوان آن، از عوامل مهم جغرافیایی در تداوم حیات اقتصادی و تحولات اجتماعی ناحیه شبانکاره در طول تاریخ بوده است. البته در برهه‌هایی از تاریخ، تغییر راه‌های تجاری از عوامل جغرافیایی بود که در افول نسبی اقتصاد این ناحیه مؤثر واقع شده است. در این پژوهش تلاش شده است با روش توصیفی-تحلیلی عوامل جغرافیایی در تداوم حیات اقتصادی و تحولات اجتماعی ناحیه شبانکاره مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش بیانگر تأثیر فراوان عوامل جغرافیایی در تحولات این ناحیه در طول تاریخ است.

واژه‌های کلیدی: شبانکاره، بوشهر، جغرافیا، راه‌های تجاری، کشاورزی

۱ عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر Asadpour22@gmail.com

۲ دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگر تاریخ Hoes1355@gmail.com

نقش عوامل جغرافیایی در ماندگاری سنن اجتماعی - فرهنگی ایرانیان در قرون نخستین اسلامی

حمید اشرفی خیرآبادی^۱

چکیده

محیط جغرافیایی زیربنای معیشت و حیات انسانی است و فرهنگ انسانی در درون آن آفرینش و بازآفرینی می‌شود. دربارهٔ تأثیر محیط جغرافیا بر سنن اجتماعی - فرهنگی دو دیدگاه جبرگرایی محیطی و امکان‌گرایی وجود دارد.

موقعیت جغرافیای ایران به لحاظ طبیعی، انسانی و فرهنگی هویت خاصی به این منطقه بخشیده است و از دیرزمان بی‌ثباتی سیاسی آن که ناشی از موقعیت نسبی، کم‌آبی و خشکسالی بوده، باعث ساخت اشکال پدافندی مانند برج و بارو، ساخت آب‌انبار و قنات و سازگاری با محیط شده و همچنین توان سازگاری ایرانیان باعث ماندگاری و چیرگی بر اقوام بیگانه شده است. در ماندگاری هویت ایرانی، نقش عوامل جغرافیایی و محیطی پررنگ‌تر از دیگر عوامل است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای به دنبال تبیین و پاسخگویی به این پرسش است که عوامل جغرافیایی چه نقشی در ماندگاری سنت‌های ایرانی به عنوان بخشی از هویت ایرانی در قرون نخستین اسلامی داشته‌اند؟

واژه‌های کلیدی: محیط جغرافیایی، سنن اجتماعی-فرهنگی، هویت ایرانی، قرون نخستین اسلامی

مبانی نظری جغرافیای تاریخی در دوران مدرن

بهزاد اصغری^۱

چکیده

جغرافیای تاریخی علمی میان‌رشته‌ای مشتق از علم جغرافیا و تاریخ است که در تعریف حدود آن اختلاف وجود دارد. جغرافیای تاریخی از سویی از امکانات و محدودیت‌های این دو علم برخوردار است و از سویی با تغییر ماهیت علوم انسانی و اجتماعی در دوران مدرن، به دنبال تبیین مبانی نظری جدید و دوری از حالت توصیفی است. این علم به دلیل دخالت عامل انسانی و جغرافیا، با دیگر رشته‌های هم‌عرض خویش نیز شباهت‌های نزدیکی دارد. از این رو، در این نوشتار سعی می‌شود با بیان مبانی نظری جغرافیای تاریخی دوران مدرن، محدوده این رشته علمی مشخص شود و سپس ارتباط آن با نیروهای درگیر در این علم و همچنین تمایز آن با دیگر رشته‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، با توجه به عامل‌های درگیر در جغرافیای تاریخی، می‌توان گفت این علم به تشریح تغییرات جغرافیایی می‌پردازد که به صورت طبیعی یا با دخالت عامل انسانی، در دوره زمانی مشخص و در یک محدوده جغرافیایی صورت می‌گیرد و نقش آن را در ارتباط متقابل انسان و محیط طبیعی تبیین و تعلیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جغرافیا، تاریخ، جغرافیای تاریخی، انسان، محیط طبیعی، فرهنگ

تحول چشم‌انداز جغرافیایی رشت در گذشت زمان

حسن افراخته^۱

چکیده

«جغرافیای تاریخی» چشم‌انداز حاصل از نقش قدرت سیاسی در محیط جغرافیایی و فراز و فرود این چشم‌انداز در گذر زمان را مطالعه می‌کند. بازسازی تغییراتی که فضای جغرافیایی در طول زمان تحت تأثیر عوامل محیطی یا دخل و تصرف انسانی به خود دیده و تبیین رابطه علت و معلولی این تغییرات، دو موضوعی است که محتوا و وظیفه جغرافیای تاریخی را شکل می‌دهد. «انسان»، «فضای جغرافیایی»، «زیست و معیشت» و «زمان»، چهار عنصر اصلی جغرافیای تاریخی را تشکیل می‌دهند. هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین تحولات چشم‌انداز جغرافیایی رشت از زمان شکل‌گیری آن تا مقطع کنونی، از منظر جغرافیای تاریخی است. گفتنی است تغییراتی که در چشم‌اندازهای جغرافیایی یا منظر زیست و معیشت در گذر زمان به وجود می‌آیند، چند و چون بارگذاری‌های ضروری و یا غیرضروری را منعکس می‌سازند که به عنوان شواهدی در برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای مورد نیاز است؛ مسئله‌ای که می‌تواند توجیه‌گر ضرورت تحقیق باشد. داده‌های مورد نیاز این تحقیق، از طریق مطالعه اسنادی جمع‌آوری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و روش تأویلی تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که منظر شهر رشت در طول زمان تحت تأثیر عوامل مختلفی تحول یافته است. از جمله این عوامل، ساختار محیط طبیعی بوده است. این عامل، به‌ویژه در ایامی که ساختار اقتصادی و تکنیکی حاکم، توان محدودی در تسلط بر محیط طبیعی داشت، نقش تعیین‌کننده‌ای در منظر ناحیه و رشت ایفا کرده است. به تدریج و به‌ویژه با کاربرد «د.د.ت» و غلبه بر پارازیت‌های انگلی، عوامل فرهنگی (قدرت مذهبی) شکل‌دهی منظر شهری ناحیه را برعهده گرفت و همین عامل در جمع‌آوری مازاد اقتصادی کاذب ناحیه و ایجاد شهرهایی با کارکرد اداری-تجاری نقش ایفا کرد. در دوره ایجاد حاکمیت متمرکز و بهره‌برداری فئودالی از زمین، منظر شهر رشت آئینه تمام‌نمای قدرت حاکمیت، عوامل وابسته به آنها و دخالت قدرت خارجی بود که همچنان توان نقش عناصر محیطی (توت و جنگل) را در خود به نمایش می‌گذاشت. شهر محاط در رودهایی بود که محل استقرار مردم کم‌بضاعت، شکل روستایی به بخشی از شهر بخشیده بود و در بخش‌هایی دیگر عناصر بازار، خانه‌های اشراف و روحانیون و ساخت‌وسازهای حاکمیتی و قدرت‌های خارجی خودنمایی می‌کرد. در این دوره، به علت بهره‌برداری استثماری از منابع تولیدی ناحیه، فروش مواد خام و انتقال مازاد اقتصادی آن، با رشد بطئی روبه‌رو

بود. همزمان با دوره مدرنیزاسیون، عناصر عینی و روبنایی مدرنیته، منظر شهر را تحت تأثیر قرار داده بودند که نمود آن خیابان‌هایی با نقشه از پیش اندیشیده شده، ساخت‌وسازهای دولتی، اداری، خدماتی و شکل‌گیری محله‌های لوکس و جرقه‌های جدایی‌گزینی اکولوژیکی بود. منظر شهر در دوره جدید، متأثر از سرمایه‌داری مستغلات و کالایی شدن زمین و مسکن، به صورت خزش شهری، تخریب، ادغام و الحاق روستاها، گسترش بی‌برنامه ساختمان‌سازی و شهرک‌سازی به زیان کاربری‌های مولد و آلودگی شدید آب‌های ناحیه، خود را به نمایش می‌گذاشت. به عنوان نتیجه‌گیری کلی چنین استدلال می‌شود که منظر شهری رشت، تحت تأثیر نظام قدرت، محیط طبیعی و بازیگری مردم (بی‌قدرت) در جست‌وجوی معیشت، در طول زمان تحول یافته است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، انسان، محیط طبیعی، سکونت، معیشت، نظام قدرت، زمان، منظر شهری، رشت

روش‌شناسی و نقدی بر مؤلفه‌های جغرافیای تاریخی در مکتب جغرافیای عراق

نادر پروین^۱

مسلم سلیمانیان^۲

چکیده

توجه به دانش جغرافیا، اهمیت مکان‌نگاری و توجه به ویژگی‌های کالبدی و استراتژیکی شهرهای مهم در نزد مسلمانان، در قرون چهارم و پنجم قمری/دهم و یازدهم میلادی موجب شکل‌گیری دو مکتب جغرافیایی به نام‌های «عراقی» و «بلخی» شد. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی تلاش شده است چگونگی بازتاب مؤلفه‌های جغرافیای تاریخی در آثار جغرافی‌نگاران مکتب عراق از جمله ابن‌خرداذبه (متوفای ۳۰۰ق)، یعقوبی (متوفای ۲۸۴ق) و ابن‌رسته (متوفای ۲۹۰ق) در سه کتاب مهم المسالک و الممالک، البلدان و اعلاق النقیسه به بوته نقد گذاشته شود و مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با وجود شباهت‌های کلی در معرفی شهرهای مهم جهان اسلام از جمله مکه، مدینه، بغداد، سواد، فسطاط، سامرا و ذکر راه‌ها، کوره‌ها، دریاچه‌ها و روستاها، از لحاظ روش مورد استفاده در چگونگی تقسیمات جغرافیایی و ارضی، نگاه جهان‌شمولی یا اسلام‌شمولی دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند. به گونه‌ای که ابن‌خرداذبه و یعقوبی در تقسیم‌بندی زمین از روش چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب) و ربع مسکون استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که ابن‌رسته از روش تقسیم‌بندی یونانی (تقسیم براساس اقالیم هفت‌گانه) استفاده کرده است. ابن‌خرداذبه و یعقوبی از لحاظ اهمیت دادن به جغرافیای تاریخی، نگاهی اسلام‌شمولی دارند که بیشتر شامل سرزمین‌های جهان اسلام می‌شود. حال آنکه اهمیت ابن‌رسته در این است که به جغرافیا نگاهی جهان‌شمول داشت و به این منظور کوشید تا اثر خود را به صورت یک دائرةالمعارف مدوّن درآورد. در آثار ابن‌خرداذبه و یعقوبی، بغداد به عنوان ناف جهان اسلام معرفی شده، حال آنکه در اعلاق النقیسه توصیف مکه و مدینه بر سواد و عراق تقدم داده شده است.

واژه‌های کلیدی: مکتب عراق، جغرافیای تاریخی، ابن‌خرداذبه، یعقوبی، ابن‌رسته، نقد

۱ دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی تهران parvinnader@gmail.com

۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام moslemsoleimanian@ilam.ac.ir

جغرافیای تاریخی ایالت جبال و روند دگرگونی آن

جهانبخش ثواقب^۱

پروین رستمی^۲

چکیده

یکی از ایالت‌هایی که جغرافی‌نگاران مسلمان در بررسی سرزمین‌های ایران به توصیف آن پرداخته‌اند، ایالت جبال است که ایرانیان به آن «فُهستان» یا کوهستان می‌گفتند. این ایالت در دوران باستان «مای»، «ماد» یا «ماد» و سپس «ماه» نامیده می‌شد و یونانیان به آن «مِدیَا» می‌گفتند. ایالت جبال به لحاظ ارتباطی در مسیر راه بغداد به مشرق ایران و پیوند دهنده آسیای غربی به آسیای شرقی بود و به لحاظ مزیت‌های طبیعی و اقتصادی، زیستگاه‌های مناسب حیات شهری، روستایی و عشایری، از ایالت‌های مهم و راهبردی ایران بود که در دوران اسلامی در قلمرو شرقی خلافت اسلامی نقش مهمی داشت. از اوایل سده هفتم قمری، قسمت غربی منطقه جبال (منطقه ماه کوفه) با عنوان کردستان از آن جدا و بقیه ایالت جبال از آن پس عراق عجم خوانده شد. هدف این مقاله بررسی جغرافیای تاریخی ایالت جبال و روند تطور تاریخی آن به شیوه توصیفی-تحلیلی است. یافته پژوهش نشان می‌دهد که ایالت جبال بر بنیاد ماد بالا یا ماد بزرگ (سرزمین‌های مرکز و غرب ایران) دوره باستان شکل گرفت و در تطور بعدی و ایجاد تغییراتی در تقسیم‌بندی اداری، به عراق عجم تبدیل شد. افزون بر این، گستردگی جغرافیایی و موقعیت راهبردی، ایالت جبال را از جنبه سیاسی-نظامی، مواصلاتی و اقتصادی مهم کرد و کانون بسیاری از تحولات سیاسی و مذهبی نیز بوده است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، ماد (مدیا)، ایالت جبال، کردستان، عراق عجم، جغرافی‌نگاران

۱ استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان jahan_savagheb@yahoo.com

۲ دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی Parvin.rostami@yahoo.com

«رساله جغرافیایی شهرستان‌های ایرانشهر» متنی به زبان فارسی میانه

محمود جعفری دهقی^۱

شیمای جعفری دهقی^۲

چکیده

از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی به زبان فارسی میانه تعداد اندکی برای ما باقی مانده است؛ حال آنکه بسیاری از آنها در سده‌های نخستین اسلامی موجود بوده و نویسندگان اسلامی در تدوین فصول مربوط به تاریخ و جغرافیای ایران از آنها بهره گرفته‌اند. شهرستان‌های ایرانشهر یا شهرستان‌های ایران رساله کوچکی به زبان فارسی میانه و تنها اثر به این زبان است که موضوع آن منحصرأ جغرافیای تاریخی شهرهاست. تدوین نهایی این رساله، همانند بسیاری از آثار فارسی میانه که امروز در دست است، احتمالاً در قرن سوم قمری/ نهم میلادی انجام شده است. با این حال، هسته اساطیری بسیاری از مطالب آن به دوران‌های بسیار قدیم‌تر تعلق دارد. هدف از پژوهش حاضر، معرفی و بررسی این متن به عنوان یک متن جغرافیایی است. اهمیت شهرستان‌های ایرانشهر به دلیل داشتن جای‌نام‌های بسیار و ارائه آگاهی‌های تاریخی و ذکر نام شهرهای مختلفی است که پادشاهان ساسانی بنا کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، شهرستان‌های ایرانشهر، فارسی میانه، شهرهای ساسانی

۱ استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران mdehaghi@ut.ac.ir

۲ استادیار دانشگاه ولایت sh.jaafari@velayat.ac.ir

جغرافیای تاریخی از نگاه مورخان و جغرافی دانان

حجت‌الله جودکی^۱

چکیده

جغرافیای تاریخی اصطلاحی میان‌رشته‌ای است که دانش‌های تاریخ و جغرافیا در آن دخیل‌اند. با وجود این نگرش جغرافی‌دانان و مورخان نسبت به آن متفاوت است. مورخان آن را بخشی از تاریخ و جغرافی‌دانان آن را بخشی از جغرافیا به حساب می‌آورند. هنگامی که کتاب‌ها و مقاله‌های آنان را درباره جغرافیای تاریخی بررسی می‌کنیم، با این تفاوت دیدگاه و نگرش مواجه می‌شویم. البته در کشور ما مسئولان هر دو رشته تاریخ و جغرافیا به این رشته عنایتی ندارند. این درس در گروه جغرافیا تدریس نمی‌شود و در رشته تاریخ نیز از مقطع کارشناسی حذف شده است! حال آنکه در دیگر کشورها به این درس اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و به عنوان یک ضرورت پژوهشی به آن می‌نگرند.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، تاریخ، جغرافیا

مقدمه‌ای بر شناخت جغرافیای تاریخی (ماهیت و پیشینه پژوهشی)

میرهادی حسینی^۱

چکیده

یک «حادثه تاریخی» دارای سه بُعد است: «متن حادثه»، «زمان حادثه» و «مکان حادثه». بررسی رابطه اضلاع این مثلث، یکی از مهم‌ترین مباحث علوم انسانی است. چنانچه بپذیریم که رابطه «متن» با «زمان حادثه» فقط در حیطه تاریخ‌نگاری است و بررسی رابطه «زمان» با «مکان حادثه» نیز مفهومی ناقص در تاریخ‌نگاری است (مفهومی صرفاً جغرافیایی است)، تحقیقاً به این نتیجه خواهیم رسید که بررسی رابطه «متن» با «مکان حادثه تاریخی» مفهومی فراتاریخی است و پژوهشگر تاریخ را به حیطه جغرافیا سوق می‌دهد. از این منظر، شاید هیچ مقوله‌ای مانند جغرافیا تا این حد به تاریخ‌نگاری نزدیک نمی‌شود. در این پژوهش نیز به بررسی و واکاوی ارتباط بین دو بُعد حادثه تاریخی پرداخته شده که عبارت است از: متن و مکان.

در این نوشتار، روش تحقیق بر پایه واکاوی مؤلفه‌های مهم در شناخت ماهیت جغرافیای تاریخی بنا نهاده شده و مهم‌ترین نتیجه این پژوهش تبیین مؤلفه‌های ماهیت جغرافیای تاریخی و پیشینه‌های پژوهشی در این مبحث است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، ماهیت جغرافیای تاریخی، جی. آی. اس. تاریخی، پیشینه جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی گلوگاه مازندران (تأثیر موقعیت جغرافیای گلوگاه بر تحولات تاریخی این شهر)

مهدی رضا خادم‌لو^۱

چکیده

«گلوگاه» شرقی‌ترین شهر استان مازندران است که در طول تاریخ به دلیل قرار گرفتن در مسیر مهاجرات اقوام بیگانه، همواره مورد تهدید، هجوم و تخریب متجاوزان بوده است. از طرفی، گلوگاه تنها شهر استان مازندران با اکثریت ترک‌زبان است. تحقیق حاضر که به شکل توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع نوشتاری و تحقیق میدانی صورت گرفته، به دنبال این است که بداند اولاً موقعیت جغرافیایی گلوگاه چه تأثیری در رخدادهای تاریخی در این قریه گذرگاهی داشته است؟ ثانیاً موقعیت جغرافیایی گلوگاه چه نقشی در حفر خندقی به نام «جرکلباد» در شرق این شهر داشته است؟ ثالثاً موقعیت جغرافیایی گلوگاه چه تأثیری در مهاجرت ترکان ایل «عمرانلو» ساکن در غرب دریای خزر به گلوگاه داشته است؟ به نظر می‌رسد موقعیت خاص جغرافیایی گلوگاه که در آن دریا و کوه به هم نزدیک بوده، این قریه را به یک منطقه گذرگاهی و استراتژیک خاص تبدیل کرده بود و همین عامل تأثیر مستقیم بر تحولات تاریخی این منطقه داشته و سبب حفر خندقی در شرق گلوگاه برای جلوگیری از تهاجم اقوام بیگانه به داخل مازندران شده است. یکی از نتایج حفر خندق در گلوگاه، کوچانده شدن ترکان ایل عمرانلو به این منطقه به منظور سرحداری و جلوگیری از تهاجم اقوام بیگانه، به‌ویژه هجوم تراکمه به داخل مازندران بود که ترک‌زبان شدن این قریه یکی از تبعات آن بوده است.

واژه‌های کلیدی: گلوگاه، مازندران، جرکلباد، تراکمه، ایل عمرانلو

تحول چشم‌انداز جغرافیایی مازندران در دوره پهلوی اول

مهرداد دیوسالار^۱

چکیده

تغییر و تحول در چشم‌انداز جغرافیایی یک منطقه، متأثر از علل و عوامل مختلفی است و بیشتر بر نقاط عطف مهم تاریخی یک منطقه جغرافیایی تأکید دارد. دوره پهلوی اول را از منظر مکتب چشم‌انداز، می‌توان نقطه عطفی در جغرافیای تاریخی مازندران به شمار آورد. در این دوره تغییراتی اساسی در حوزه‌های مختلف چشم‌انداز جغرافیایی مازندران رخ داد. پژوهش حاضر بر آن است تا ساحت‌ها و مؤلفه‌های اساسی تحول چشم‌انداز جغرافیایی مازندران در دوره پهلوی اول را مورد مطالعه قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این تغییرات ساحت‌های متنوع و گوناگونی داشت؛ به طوری که مورفولوژی و زیست و معیشت شهری و روستایی دچار تحول شده بود. مدرن‌سازی کشاورزی و زیرکشت رفتن زمین‌های بیشتر، ایجاد راه‌آهن، رشد صنعت و تجارت از مهم‌ترین مؤلفه‌های تغییر چشم‌انداز جغرافیایی مازندران در دوره پهلوی اول به شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز جغرافیایی مازندران، رضاشاه، چشم‌انداز کشاورزی، چشم‌انداز شهری، چشم‌انداز روستایی، چشم‌انداز گردشگری، چشم‌انداز زیست و معیشت

۱ دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

جغرافیای تاریخی ایالت شروان در دوره صفوی

حمید رضایی^۱

چکیده

پژوهشی که پیش روست، در صدد رسیدن به پاسخ این سؤال است که علل اهمیت منطقه جغرافیایی ایالت شروان در دوره صفوی چیست؟ بر این اساس، مؤلف پژوهش حاضر مدعای خود را بر این مورد بنا گذاشت که ایالت شروان با موقعیت جغرافیایی ویژه خود یکی از ایالات حساس و مورد نظر دول همسایه بوده است. ضروری بود ابتدا شناختی از موقعیت جغرافیایی این منطقه و شهرهای مهم و اساسی این ایالت داشته باشیم. در این پژوهش، علاوه بر بررسی موقعیت جغرافیایی، به موقعیت منطقه‌ای، قومیتی و اهمیت سیاسی آن در دوره صفویه پرداخته شده است. در نهایت، اثبات شد که این ایالت منطقه مستقلی بود که از ایالت آذربایجان آن سوی رود ارس منفک بوده است. شروان از مناطق مهم و حساس در دوره صفویه بود که در کرانه دریای مازندران قرار داشت و با این موقعیت دریایی، بخش مهمی از منطقه جغرافیایی «شرکت مسکوی» محسوب می‌شد و شهرهای بندری این منطقه لنگرگاه کشتی‌های تجاری این شرکت نیز بودند.

واژه‌های کلیدی: ایالت شروان، شناختی، شرکت مسکوی، صفوی

تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی بر رفتار انسانی ناحیه خراسان (با تکیه بر نظر جغرافی‌دانان قرن چهارم: مقدسی، اصطخری و ابن حوقل)

تهمینه رئیس‌السادات^۱

سید محمدتقی رئیس‌السادات^۲

چکیده

تأثیر جغرافیا بر فعالیت‌ها و رفتار انسانی و ارتباط متقابل محیط و انسان، امری است که در حیطه جغرافیای انسانی قرار می‌گیرد و پژوهشگران این علم، نظریات گوناگون و فراوانی در این باره بیان کرده‌اند. تأثیر محیط جغرافیایی به اندازه‌ای است که خود باعث به وجود آمدن اخلاق و رفتاری خاص، فرهنگی متفاوت و پدیده‌های تاریخی گوناگون می‌شود. از این منظر، این پژوهش به دنبال ارتباط ویژگی‌های جغرافیایی بر رفتارهای انسانی در منطقه خراسان براساس کتب جغرافیایی قرن چهارم هجری می‌باشد و تحولات سیاسی و اجتماعی مردمان این دوره را با توجه به تأثیر محیط جغرافیایی خراسان بر رفتار مردمان این منطقه، با توجه به سه کتاب احسن التقاسیم مقدسی، المسالک و الممالک اصطخری و صورة الارض ابن حوقل مورد توجه قرار داده است. مقاله حاضر به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: جغرافی‌دانان، منطقه خراسان، تأثیرات جغرافیایی، رفتار انسانی، کتب جغرافیایی، فعالیت‌های سیاسی، کم‌آبی خراسان

۱ دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) ta_rais@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی smt.raissadat@gmail.com

نقش اقتصاد انرژی بر تحولات جمعیتی سکونتگاه‌های سواحل خلیج فارس (مطالعه موردی: شهرستان پارسیان ۱۳۵۷-۱۳۹۱ش)

محمد سهیلی^۱

چکیده

خلیج فارس از زمان‌های دور مهد تمدن‌های بسیار بوده که عواملی چون تجارت و کشاورزی و همچنین در عصر جدید، سوخت‌های فسیلی از جمله عوامل تاثیرگذار بر شهرها و آبادی‌های این منطقه بوده است. شهرستان «پارسیان» از جمله مناطقی است که از دیرباز مسکون بوده، اما در دهه‌های اخیر کشف میدان گازی و نفتی باعث ورود سیل مهاجران به این منطقه و در نتیجه تغییرات اقتصادی و اجتماعی بزرگی در آن شده است که بررسی آنها به درک شرایط موجود کمک می‌کند. هدف از این پژوهش، بررسی تحولات این شهر در دوران پیش از بهره‌برداری از انرژی‌های جدید و تغییرات شکل گرفته پس از بهره‌برداری و مهاجرت افراد به این منطقه می‌باشد. در این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده و به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر شاهد رشد عظیمی در جمعیت و تغییرات بسیاری در فرهنگ و سن مردم این منطقه بوده‌ایم. وضعیت اشتغال، بهداشت و آموزش نیز در دهه‌های اخیر دچار تغییرات زیادی شده است.

واژه‌های کلیدی: انرژی، مهاجرت، تحولات، خلیج فارس، پارسیان

جغرافیای تاریخی تهران

محمد رضا سحاب^۱

محمد علی سیفی^۲

چکیده

حصار شاه‌طهماسبی که در سال ۹۶۱ق. به دستور شاه‌طهماسب صفوی گرداگرد چندین روستا در شمال ری ایجاد شده بود، در سال ۱۲۰۰ق/ ۱۱۶۵ش. اقامتگاه و سپس پایتخت آقامحمدخان قاجار، سرسلسله قاجار شد. آقامحمدخان با تاج‌گذاری در این شهر، رسماً حکومت قاجاریه را تأسیس کرد و اداره امور ایران را در دست گرفت.

براساس نقشه به‌جا مانده از «آلکساندر فردریش اشتال» کارتوگراف مشهور آلمانی در سال ۱۹۰۰م/ ۱۲۷۹ش. وضعیت جغرافیایی منطقه تهران به نحوی است که رودخانه‌های جاجرود در شرق و کرج در غرب، سلسله‌جبال البرز در شمال و دشت‌های گسترده شهریار، ری، غار، فشافویه و ورامین در جنوب، اقلیم بسیار مطلوبی را برای حیات چندجانبه به وجود آورده که مورد توجه محققین واقع شده است (نقشه مذکور پیوست است).

در پژوهش شناخت جغرافیای تاریخی این شهر چند نکته مهم مورد توجه قرار گرفته است:

۱. موقعیت جغرافیایی در بستر تاریخی از زمان آقامحمدخان تا کنون با مقدمه‌ای از تاریخ قبل از آن؛

۲. موقعیت منطقه‌ای گسترش شهر از حصار طهماسبی تا تبدیل شدن به ۲۲ منطقه فعلی؛

۳. تبدیل شدن یک موقعیت جغرافیایی که می‌توانست بزرگ‌ترین باغ‌شهر مدرن باشد، اما به کلان‌شهری بیمار تبدیل شد که با وجود خودکفا بودن، مصرف‌کننده شد.

هدف از این پژوهش، شناخت اجمالی بر مبنای اسناد مکتوب و نقشه‌های ترسیمی است تا مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد و در بهبودبخشی این کلان‌شهر به کار آید.

واژه‌های کلیدی: تهران، جغرافیای تاریخی، پایتخت، باغ‌شهر، کلان‌شهر، ری

جغرافیای تاریخی مراکز حکومتی چهارمحال از دوره صفویه تا پهلوی اول بنا بر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناسی^۱

زهرا شیرانی جوانمردی^۲

چکیده

جغرافیای تاریخی یکی از حوزه‌های مشترک بین دو علم تاریخ و جغرافیاست که فهم صحیح آن در کنار پژوهش‌های میدانی در منطقه مورد مطالعه، جنبه‌های بسیاری از تاریخ سرزمین را آشکار می‌کند. در پژوهش حاضر، با استفاده از منابع تاریخی و بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی، جغرافیای تاریخی مراکز شهری حکومتی چهارمحال از دوره صفویه تا پهلوی اول شناسایی شده و مورد بررسی قرار گرفته است. منطقه چهارمحال بخشی از استان چهارمحال و بختیاری است که تا قبل از تقسیمات فعلی، به عنوان چهار محال از هشت محال اصفهان محسوب می‌شده است. این چهار ناحیه عبارت است از: لار، کیار، میزدج و گندمان؛ که مهم‌ترین ناحیه آن یعنی «لار» متصل به بلوک لُنجان واقع شده است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که شهرهای قهفرخ (فرخ‌شهر)، شهرک (کیان)، چالشر و دهکرد (شهرکرد) همگی در ناحیه لار واقع بودند و دست کم از دوران صفوی به بعد، مراکز اصلی چهارمحال را شکل می‌دهند. داده‌های باستان‌شناسی در این مناطق نشان دهنده اهمیت ناحیه لار و شهرهای گفته شده است که بناهای باقیمانده آن نیز مؤید این نکته است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، چهارمحال، قهفرخ، شهرک، چالشر و دهکرد (شهرکرد)

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «بررسی باستان‌شناختی دهکرد (شهرکرد) از دوره اتابکان تا پهلوی اول» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان است.

۲ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان zahrasherani2017@gmail.com

جغرافیای تاریخی سواحل دریای مکران با تکیه بر راه‌های ارتباطی جنوب شرق ایران

نصرت‌خاتون علوی^۱

چکیده

مکران سرزمینی واقع در ضلع جنوب شرقی فلات ایران، به همراه دریایی که در بخش جنوبی این ناحیه قرار داشت و به اعتبار هم‌جواری با این ناحیه، دریای مکران نامیده شده و نقش مهمی در حوادث منطقه جنوب و جنوب شرقی ایران داشت. در این مقاله، ضمن بیان تاریخچه منطقه ساحلی مکران، به بررسی شبکه راه‌های ارتباطی زمینی و دریایی این ناحیه و نقش آنها در رونق تجاری و بازرگانی بخش جنوب و جنوب شرقی ایران پرداخته شده است. عبور کشتی‌های تجاری و بازرگانی که کالاهای هند و چین را به نواحی غربی منتقل می‌کردند و همچنین کشتی‌ها و بازرگانانی که از یمن، دریای سرخ و سواحل شرقی آفریقا برای مبادله کالا و تجارت به نواحی شرقی می‌آمدند، این ناحیه را به یکی از پررفت‌وآمدترین مناطق تجارت دریایی و زمینی تبدیل کرده بود. شهرها و بنادر مکران از لنگرگاه‌ها و استراحتگاه‌های مهم این نواحی محسوب می‌شدند. سواحل دریایی و راه‌های زمینی مکران با رشد چشمگیر تجارت دریایی و زمینی همراه بود. نویسنده این نوشتار در پی پاسخگویی به این سؤال است که عوامل مؤثر در رونق تجارت دریایی و زمینی ایران (خلیج فارس و دریای مکران) چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح شده است که تجارت دریایی و زمینی خلیج فارس و دریای مکران به دلایلی چون موقعیت استراتژیک این منطقه که بر سر راه‌های دریایی و زمینی قرار داشته و شرق دور را به سرزمین‌های غربی وصل می‌کرد، اهمیت داشته است. همچنین وجود حکومت‌های مقتدر در سواحل دریا، رشد تجارت دریایی را به همراه داشت.

واژه‌های کلیدی: سواحل مکران، تجارت، راه‌های ارتباطی، بنادر، دریای عمان

جغرافیای تاریخی بندرعباس

فاطمه السادات فیروزی^۱

چکیده

بندرعباس به عنوان یکی از بنادر مهم خلیج فارس در طول تاریخ، نقش عمده‌ای در مسائل سیاسی و تجاری این منطقه ایفا کرده است و یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین گذرگاه‌های ساحلی میان شرق و غرب جهان به شمار می‌رفته و به عنوان مناسب‌ترین بندرگاه، در کنار تنگه هرمز مقام و جایگاه مهمی داشته است. بدون شک موقعیت طبیعی و جغرافیای تاریخی بندرعباس نقش بسیار مؤثری در جایگاه سیاسی-اقتصادی این بندر در طول تاریخ و تبدیل آن به کانون اصلی تبادلات دریایی خلیج فارس در دوره صفویه داشته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده و بر آن است تا ضمن بررسی موقعیت طبیعی و جغرافیایی بندرعباس، به نقش جغرافیای تاریخی این منطقه در رونق سیاسی و اقتصادی آن بپردازد.

واژه‌های کلیدی: بندرعباس، خلیج فارس، جغرافیای تاریخی

۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ علم دوره اسلامی و پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی، شعبه استان مرکزی
firoozi_fateme@yahoo.com

جغرافیای تاریخی اصفهان و عوامل مؤثر در تغییرات آن

محمدحسین فروغی^۱

علی اختری^۲

چکیده

«اصفهان» نامی است که امروزه به مرکز استانی با همین نام در مرکز ایران اطلاق شده، اما این نام و گستره جغرافیایی شمول آن در طول تاریخ نشان می‌دهد که وجه تسمیه نام با جغرافیای آن مرتبط است و تغییرات عمده‌ای نیز در جغرافیای تاریخی این نام و منسوبان آن رخ داده است. حال آنکه می‌دانیم در دوران پیش از اسلام نقطه شهری با نام اصفهان وجود نداشته و مرکزیت منطقه اصفهان یا «سپاهان» نیز «شهرستان» یا «جی» بوده است، اما از قرن دوم اسلامی این نام کل، به نقطه شهری خاصی اطلاق شد که در جوار یهودیه شکل گرفته بود و به مرور آبادی‌های اطراف را در خود جای داد. پرسش اصلی این تحقیق، اسباب نامگذاری این منطقه و تغییراتی است که در طول تاریخ در مورد گستره جغرافیایی آن روی داده است. نتایج تحقیق که از راه مطالعه کتابخانه‌ای به دست آمده است، نشان می‌دهد که دشمنی یهودیان با امرای محلی و ساکنان این منطقه عمومی در دوران ساسانی، زمینه‌ای شد تا با فاتحان مسلمان همکاری کنند و اعراب مسلمان نیز پایگاه حکومتی منطقه را در جوار یهودیه تشکیل دهند و نام کل را بر جزء و نقطه شهری نو بگذارند. به مرور اصفهان نو، از جی و شهرهای چندگانه قدیم منطقه پیشی گرفت و از این جهت اصفهان پیش از اسلام با اصفهان دوران اسلامی متفاوت شد. البته این تفاوت فقط در قالب تغییر جغرافیای تاریخی بود؛ زیرا منطقه عمومی اصفهان همان کارکردهای قدیم خود را در حاشیه زاینده‌رود نسبت به اقتصاد و سیاست ایران حفظ کرده و گاهی به اوج رسانده بود.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، سپاهان، جغرافیای تاریخی، جی، زاینده‌رود، یهودیه

۱ دکترای تاریخ اسلام، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اصفهان vistygol@yahoo.com

۲ دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اصفهان aliakhzari@ymail.com

پژوهشی مختصر در جغرافیای تاریخی خلیج فارس و دریای عمان

راضیه شجاع قلعه دختر^۱

چکیده

خلیج فارس و دریای عمان به لحاظ موقعیت جغرافیایی همواره در سیاست‌های اقتصادی دولت ایران جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. با وجود فراز و فرودهای پی‌درپی در تمرکز سیاسی و توانمندی اقتصادی و نظامی حکومت‌ها، این فرایند همچنان ادامه داشته است. بنادر مهم جنوبی همچون سیراف، جنبابه (گناوه)، مَهروبان، تیز (چابهار) و غیره نقش مهمی در تجارت بین‌المللی شرق و غرب ایفا کرده‌اند. باید گفت سواحل جنوبی ایران حلقه ارتباطی میان تمدن‌های مرکزی داخلی با جزایر و بنادر جنوب ایران، عراق، بین‌النهرین، هند و چین، شرق آسیا، مصر و آفریقای شرقی بوده است. تسلط بر این حوزه آبی استراتژیک، ضامن کسب ثروت و قدرت بیشتر برای همه حکومت‌ها و ملت‌ها در همه ادوار تاریخ بوده است. بررسی اهمیت جغرافیایی و تاریخی این حوزه دریایی و جایگاه اقتصادی و تجاری آن، هدف این نوشتار است.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، دریای عمان، جغرافیای تاریخی، تجارت

نقد و بررسی کتاب مسالک الممالک

بنفشه قاسمی^۱

چکیده

این مقاله درصدد است به بررسی و نقد کتاب *مسالک الممالک* اثر ابواسحاق ابراهیم اصطخری بپردازد. در این کتاب، نویسنده به معرفی دریاها، بلاد، بیابان‌ها و غیره پرداخته است. اصطخری که از مردم فارس بود و به ممالک اسلامی از بلاد هند تا مغرب سفر کرده بود، دو کتاب *صورالاقالیم* و *مسالک الممالک* را با موضوع جغرافیای تاریخی تألیف کرده است. در این پژوهش ابتدا با مطالعه دقیق مطالب کتاب *مسالک الممالک*، به نقد و تحلیل تاریخی متن آن پرداخته شده و جزئیات آن به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته و سپس اشتباهات و نواقصی که در برخی موارد در متن دیده شده، بیان شده است. اهمیت این پژوهش از آن روست که *مسالک الممالک* یکی از مهم‌ترین و بهترین کتاب در حوزه جغرافیای تاریخی و مؤلف آن یکی از مؤلفان برجسته در این حوزه است و بررسی و نقد آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا در نقد این کتاب منبع یا مأخذ درخور توجهی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: نقد، اصطخری، بلاد اسلامی، *مسالک الممالک*، جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی رود جیحون

جواد عباسی^۱
سید علیرضا گلشنی^۲
صدیقه قاسم پور^۳

چکیده

توجه به تأثیر محیط طبیعی بر وقایع جغرافیایی، در آثار کلاسیک تاریخ ایران نمایی بسیار ضعیف و کم عمق دارد. در این پژوهش سعی شده است تا با بیانی موجز و شیوا و با بهره گیری از نقشه های متعدد، چگونگی تأثیر محیط طبیعی بر وقایع تاریخی، در یکی از مناطق جغرافیایی ایران قدیم مورد بررسی قرار گیرد. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، روش کتابخانه ای و پژوهش جغرافیای تاریخی با استفاده از نقشه های تاریخی است. با نگاهی به جغرافیای تاریخی رود جیحون، می توان این محیط اقلیمی را یکی از محیط های تأثیرگذار در بخشی از تاریخ ماوراءالنهر و ایران دانست؛ آنچنان که در تاریخ موقعیت جغرافیایی این رود شاهد تغییرات بسیاری بوده است. در این پژوهش موقعیت جغرافیایی رود جیحون، جیحون در بستر اقلیم و تاریخ، تغییرات متعدد رودخانه جیحون از مسیر معمول، تأثیر اقلیم عصر کواترناری یخبندان بر منطقه ماوراءالنهر و رود جیحون، رود جیحون به عنوان راه و مسیر تجاری و اقتصادی، رودخانه جیحون به عنوان سرحد و مرز، تأسیس و نابودی شهرها و مراکز تمدنی در کناره رود جیحون، از جمله نکات قابل توجه است که به آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: جغرافیای تاریخی، زمین شناسی، ایران، ماوراءالنهر، جیحون

jabbas@um.ac.ir

۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

sedigheh.ghasempoor34@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ دانشگاه شیراز

چشم‌انداز زیست و معیشت لرستان از مشروطیت تا پایان پهلوی اول

قدرت‌الله گراوند^۱

چکیده

مکتب «چشم‌انداز» یکی از حوزه‌های مطالعاتی نسبتاً جدید در جغرافیای تاریخی است که تغییرات چهره طبیعت در دوره‌های تاریخی به عنوان نقطه عطف تاریخی در یک جغرافیای مشخص براساس سیاست-گذارهای اعمال شده با رویکرد تأثیر انسان بر جغرافیا را مورد بررسی قرار می‌دهد. انقلاب مشروطه از منظر مکتب چشم‌انداز، نقطه عطفی در جغرافیای تاریخی لرستان به شمار می‌رود. از آغاز انقلاب مشروطه تا پایان دوره رضاشاه، تغییراتی اساسی در حوزه‌های مختلف چشم‌انداز جغرافیایی لرستان رخ داد و معیشت و مورفولوژی شهری دچار تحول شد. بنابراین تحول تاریخی دولت در این دوره، عامل اصلی تأثیرگذار بر چشم‌انداز لرستان بوده است. در این مقاله مفهوم «چشم‌انداز مرکب» نیز مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که تحولات تاریخی و حاکمیت سیاسی و نیز عوامل طبیعی چه تأثیراتی بر نوع زیست و معیشت مردم منطقه لرستان و نیز تغییر و تحول آن در دوره تاریخی مورد بحث داشته است؟

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز زیست و معیشت، لرستان، انقلاب مشروطه، پهلوی اول، حاکمیت سیاسی،

عوامل طبیعی

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
Garavand.ghodrat@yahoo.com

هندستان، کابلستان، زابلستان و رود مهران: محدوده مرزهای حداقلی و حداکثری ایرانشهر در دوره خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م)

یاسر ملک‌زاده^۱

چکیده

در اوایل دوره ساسانی کوشانشهر و هندستان (سند)، دو شهر (ایالت) بزرگ در جنوب شرقی ایران ساسانی و هم‌مرز با هند و چین بودند. از اواسط دوره ساسانی حکومت کوشانشهر فرو پاشید و استان‌ها و شهرستان‌های آن به شهرهای همسایه یا شهرهای جدیدی همچون زابلستان و کابلستان ملحق شدند. با توجه به سکوت منابع تاریخی درباره مرز جنوب شرقی ایرانشهر در دوره ساسانی که ممکن است به دلیل آرامش مرزها در این بخش باشد، اطلاعات ما درباره حدود مرز ایران و هند و حدود شهرهای مرزی ایران در این حوزه سرزمینی ناقص است. با این حال از اشاره‌های آثار جغرافیایی و حماسه‌های دوران کیانیان که توسط مورخان دوره اسلامی به نگارش درآمده‌اند اما منشأ ساسانی دارند، می‌توان به اطلاعاتی در این باره دست یافت. در مقاله حاضر، به تحلیل جغرافیای تاریخی سرزمین‌های مرزی جنوب شرقی ایران در دوره خسرو انوشیروان بر پایه متون جغرافیایی و حماسی دوره اسلامی پرداخته شده و تلاش شده است تا حدود تقریبی مرزهای سرزمینی ایران و هند و چین در جنوب شرقی و شرق ایران مشخص شود.

واژه‌های کلیدی: کوشانشهر، هندستان، هند، کابلستان، زابلستان، مهران

بررسی مفهوم «جغرافیای تاریخی» در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف گی لسترنج

سید حسن مهدیخانی سروجهانی^۱

چکیده

کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف گی لسترنج (۱۸۵۴-۱۹۳۳م)، ترجمه محمود عرفان مهم‌ترین اثر منتشر شده به فارسی در زمینه «جغرافیای تاریخی» است که در ۳۴ فصل به توصیف سرزمین‌های شرق اسلامی پرداخته است. در این پژوهش با بررسی نحوه تنظیم و چینش مطالب و مواد جغرافیایی به کار رفته در چهار فصل مربوط به ایالت خراسان و تطبیق آنها با مفهوم «جغرافیای تاریخی»، نقاط قوت و ضعف اثر یاد شده مورد واکاوی قرار گرفته است. کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی از نواقص و اشکالات ساختاری و محتوایی به دور نیست، اما در مقایسه با آثار مشابه، با مفهوم «جغرافیای تاریخی» انطباق بیشتری دارد و عمده مطالب آن، مواد جغرافیایی در گذر زمان را شامل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نقد کتاب، جغرافیای تاریخی، لسترنج، ایالت خراسان

سیمای جغرافیای طبیعی شرق ایران عصر صفوی در نقشه‌های تاریخی اروپایی (مطالعه موردی: نقشه‌های قرن هفده و هجده میلادی / یازده و دوازده قمری)

یاسر ملازئی^۱

چکیده

نقشه‌های تاریخی اسنادی ارزشمند برای بازسازی گذشته و روشن کردن نقاط تاریک تاریخ می‌باشند. ایران عصر صفوی از جمله دوره‌های تاریخی است که نقشه‌های تاریخی مربوط به آن موجود است و بیشتر طراحان این نقشه‌ها نیز اروپاییان بوده‌اند؛ زیرا تاریخ ایران در این دوره، سیل گسترده هجوم سیاحان و دول اروپایی در قلمرو خویش را تجربه کرده بود. نتیجه این رفت‌وآمدها، با وجود تلاش برای توسعه منافع اقتصادی، به درک بیشتر و دقیق‌تر از سرزمین ایران و جغرافیای آن برای اروپاییان منجر شد. در نتیجه، نقشه‌نگاران اروپایی برای شناخت بیشتر و بهتر این سرزمین، دست به ترسیم نقشه‌های متعددی از ایران این عصر زدند. نقشه‌های اروپایی که امروزه موجودند و ایران عصر صفوی را به ترسیم کشیده‌اند، هرچند ناقص‌اند ولی ویژگی‌های خاصی از جغرافیای طبیعی ایران را به ثبت رسانده‌اند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به نقشه‌های تاریخی، درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که جغرافیای طبیعی شرق ایران عصر صفوی در نقشه‌های تاریخی اروپایی چگونه به تصویر کشیده شده و نقشه‌نگاران از چه علایم و نشانه‌هایی برای انجام این مهم استفاده کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقشه‌نگاران اروپایی برای توصیف جغرافیای طبیعی شرق ایران از پدیده‌های جغرافیایی کوه، رود، دریاچه و بیابان استفاده کرده‌اند و با وجود خطای برخی از نقشه‌نگاران در توصیف درست این پدیده‌ها، داده‌های ارائه شده در نقشه‌ها در تکمیل داده‌های منابع مکتوب و پژوهش‌ها از اهمیت و ارزش مهمی برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: نقشه‌های تاریخی، صفوی، شرق ایران، جغرافیا